

استاد سعید علیزاده

✓ لام جازمه معمولاً **اول جمله** می‌آید، آخر فعل را **مجزوم** می‌کند و معنی **(باید)** می‌دهد و بر سر صیغه‌های غایب و متکلم می‌آید

✓ الامتحانات تُساعدُ الطلابَ لِتَعَلُّمِهِمْ دُرُسِهِمْ فَلْيَعْلَمُوا ذَلِكَ

✓ **ترجمه:** (امتحانات به دانش‌آموزان برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند پس آن‌ها باید آن را بدانند)

✓ لام ناصبه معمولاً **وسط جمله** می‌آید و آخر فعل را **منصوب** می‌کند ولی بهترین راه برای تشخیص **ترجمه** است.

✓ تَكَلَّمْتُ مَعَ أصدقائي لِتَعَلَّمُوا كَيْفَ يُمْكِنُ لَهُمْ ...

✓ (با دوستانم صحبت کردم تا بدانند چگونه برای آن‌ها ممکن است

✓ هرگاه حرف (ل) با حروف (و، ف، ثَمَّ) بیاید ساکن می‌شود.

✓ **وَلْيَذْهَبْ - فَلْيَتَوَكَّلْ**

✓ افعال ناقصه عبارتند از:

✓ كان (بود) - صار (شد) - ليس (نیست) - أصبح (شد)

✓ كان المعلم في الصف

✓ فعل **يكون** مضارع **كان** است و امر آن **كُنْ** (باش)

✓ كُنْ تلميذاً ساعياً (دانش‌آموز سخت کوشی باش)

✓ مضارع «أصبح» می‌شود «يُصبحُ» که ثلاثی مزید است از باب «إفعال» و همچنین مضارع «صاز» می‌شود «يُصَيِّرُ» و **حواسنان باشد «ليس» مضارع ندارد.**

✓ افعال ناقصه بر سر مبتدا و خبر می‌آیند و با مبتدا کاری ندارند اما خبر را منصوب می‌کنند (در کنکور اسم و خبر افعال ناقصه نمی‌خواهد ولی یادگیری‌اش لازم است برای اشتباه نگرفتن با (حال، مفعول به

✓ كان المعلمُ شاعراً
اسم ک خبرکان

✓ كان به معنی **بود** ← كان بيتي نظيفاً (خانه‌ام تمیز بود)

✓ كان به معنی **است** ← إِنَّ اللَّهَ كانَ غفوراً رحيماً (بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است)

✓ كان + مضارع ← ماضی استمراری

✓ كان المعلمُ يذهبُ الى المدرسة (معلم به مدرسه می‌رفت)

✓ كان + (قد) + ماضی ← ماضی بعید

✓ كان قد ذهبَ (رفته بود)

✓ كان + ل ← كان لي خاتم فضةً (یک انگشتر نقره داشتم)

✓ كانَ مِحْكَانٌ

✓ إِنَّ (همانا، قطعاً، به درستی که) جمله بعد از خود را **تاکید** می‌کند **اول جمله** و یا بعد از مشتقات فعل **قال** می‌آید و همچنین گاهی اوقات برای تکیه کلام است و ترجمه‌اش اختیاری است.

✓ إِنَّ اللَّهَ على كُلِّ شَيْءٍ قديرٌ

✓ قال الرسولُ ياربُّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هذا القرآنَ مَهجوراً

✓ **أَنْ** به معنی **که** است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و معمولاً وسط جمله می‌آید.

✓ نَعْلِمُ أَنْ للعالم أصدقاء كثيرين

✓ كَأَنَّ به معنای «مانند» و «گویي» است

✓ كَأَنَّ إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرَكُ

✓ (گویي خشنودساختن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود)

✓ لَكِنْ به معنی **ولی** و **اتنا** است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل خودش است.

✓ فهدا يومُ العَجَبِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ

✓ این روز رستاخیر است ولی شما خودتان نمی‌دانستید

✓ لَيْتَ برای **تمنی** و **آرزو** است و به معنای «کاش» است و به صورت «یا لیت» هم می‌آید.

✓ لیت صدیقی ینجِّح فی المسابِقة

✓ لعلّ برای **ترجی** و **امید** است و به معنای «شاید» و «امید است» می‌باشد.

✓ إِنَّا جعلنا قرآناً عربياً لعلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

✓ (بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم شاید «امید است» شما جزّد ورزی کنید)

✓ لای نفی جنس بر سر **اسم** می‌آید و آن اسم **(ال)** و **توین** نمی‌گیرد و همیشه **فتحه** دارد.

✓ لا تلميذاً في المدرسة (هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست)

✓ حال **نکره** است و بعد از ذوالحال (صاحب حال) می‌آید که آن همیشه **معرفة** است.

✓ يلعبُ الأطفالُ بعد إتمامِ الدرسِ فرحينَ كُلِّ يومٍ

✓ ذوالحال حال

✓ حال و ذوالحال باید از نظر **جنس** و **تعداد** مطابقت داشته باشند

✓ جاء التلميذان الى المدرسة صاحكين

✓ دقت کنید:

✓ (۱) رأيت ولداً مسروراً (پسر خوشحالی را دیدم) صفت

✓ (۲) رأيت الولدَ المسرورَ (پسر خوشحال را دیدم) صفت

✓ (۳) رأيت الولدَ مسروراً (پسر را خوشحال دیدم) حال

✓ جعلتُ صديقتي أمينةً لأُموري الشخصية (۴)

✓ مفعول

✓ (دوستم را برای کارهای شخصی ام امین قرار دادم)

✓ (۵) كان التلميذاً صاحكاً
اسم كان خير كان

✓ حال از نوع جمله اسمیه

✓ اسم معرفة + و + مبتدا + خبر

✓ جَلَسَ سعيدٌ أمامَ التلِّفازِ وَ هو يُشاهدُ أُمَّةً

✓ مستثنی یعنی «جداشده از حکم ماقبل» - الّا ادات استثناء نامیده می‌شود و به کلمه‌ای که مستثنی از آن جدا شده است، مستثنی منه گفته می‌شود

✓ كُلُّ شَيْءٍ يَتَّفِقُ بِالِإِنْفِاقِ إِلاَّ العِلْمَ

✓ مستثنی منه ادات مستثنی استثناء

✓ الزُّملاءُ حَضَرُوا في صالَةِ الامتحانِ الّا حامداً

✓ مستثنی منه مستثنی

✓ در استثناء جمله قبل از الّا کامل است

✓ **أسلوبُ الحَصْرِ**

✓ در اسلوب حصر پیدا کردن مستثنی منه و مستثنی اهمیتی در کنکور ندارد و الّا در اسلوب حصر برای استثناء نمی‌آید بلکه برای اختصاص و حصر است.

✓ ما شاهدتُ في المكتبةِ الّا كاملاً

✓ (در کتابخانه، تنها کامل را دیدم)

✓ (در کتابخانه، کسی جز کامل را ندیدم)

✓ **حصر یعنی اختصاص دادن چیزی به کسی یا موضوعی**

✓ ما فازَ الّا الصادقُ (تنها راستگو موفق شد یا کسی جز راستگو موفق نشد)

✓ جمله قبل از الّا در حصر **ناقص** است

✓ مفعول مطلق مصدری است منصوب از جنس فعل ماقبل خود در جمله

✓ نَزَلَ اللَّهُ القرآنَ تنزيلاً

✓ مفعول مطلق

✓ مفعول مطلق به دو دسته تقسیم می‌شود

✓ الف) مفعول مطلق تأکیدی

✓ ب) مفعول مطلق نوعی

✓ مفعول مطلق تأکیدی، مصدری از فعل جمله است که به انجام فعل تأکید می‌کند و صفت یا مضاف‌الیه ندارد.

✓ استغفرتُ اللَّهَ إِستغفاراً

✓ م.م. نوعی

✓ (از خدا بی‌گمان آمرزش خواستم)

✓ در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی از قیدهای تأکیدی مانند «بی‌گمان، حتماً و قطعاً» استفاده می‌کنیم

✓ در ترجمه مفعول مطلق نوعی (که مضاف واقع شده است) از قید «مانند» استفاده می‌کنیم.

✓ إِسْتغْفَرْتُ اللَّهَ إِستغفارَ الصالحينِ

✓ (مانند درستکاران از خدا آمرزش خواستم)

✓ در ترجمه مفعول مطلق نوعی (که موصوف واقع شده است) می‌توانیم صفت را به صورت قید ترجمه کنیم.

✓ تَحْتَهْدُ الأُمُّ لِتربيةِ أولادها إِجتهاذاً بالغا

✓ (مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند).